

بررسی فقهی - حقوقی استخراج رمزارز به عنوان مصداقی از حیازت مباحات

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۳۰

۲۹

جعفر زنگنه شهرکی*
حجت پولادین طرقي**
علیرضا ولیدخت محمودی***

چکیده

با پیشرفت تکنولوژی، صنعت و ارتباطات، در پاره‌ای از معاملات، پول سنتی و مجازی جای خود را به رمزارز داده است. از آنجایی که رمزارزها نوپدید هستند، لذا تطبیق احکام فقهی و حقوق اسلامی بر آن با مشکلاتی چند روبه‌روست. یکی از مسائلی که در این حوزه قابل واکاوی و محل تأمل می‌باشد، استخراج رمزارز است. مستخرج تحت چه سببی از اسباب تملک، مالک آن می‌گردد آیا می‌توان استخراج را مصداقی از حیازت مباحات دانست؟ این نوشته که به شیوه تحلیلی - توصیفی و با روش اجتهادی فقه‌محور نگاشته شده، به این نتیجه رسیده که اگر رمزارز را مصداقی از مباحات بالعرض بدانیم می‌توانیم عملیات استخراج رمزارز را در قالب حیازت مباحات تحلیل نماییم؛ از این رو فرد مستخرج به سبب عمل ماینینگ اقدام به حیازت آن کرده و در نتیجه مالک آن می‌شود. در رفع این اشکال که تحقق و موجود بودن مال، شرط برای تحقق حیازت است، این گونه پاسخ داده شده که موجودیت بالفعل مال شرط برای تحقق و صحت ملکیت به سبب حیازت نیست و از طرفی رمزارز در فرایند استخراج سایر شرایط مالیت مجاز را دارا می‌باشد.

واژگان کلیدی: رمزارز، استخراج، اسباب تملک، حیازت مباحات.

طبقه‌بندی JEL: E51, Z12, E40, E41, K11

*استادیار گروه حقوق دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران (نویسنده مسئول).

Email: zanganehjafar@gmail.com.

** دانشجوی دکترای رشته حقوق خصوصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران.

Email: hojjatpooladin1371@gmail.com

*** دانشجوی دکترای رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران.

Email: alireza.v.mahmudi@gmail.com

مقدمه

رمزارز یک دارایی دیجیتال است که در تولید و نقل و انتقال آن از تکنیک رمزگذاری استفاده می‌شود و غالباً به صورت غیرمتمرکز تولید و مبادله می‌شود. رمزارزها به دو صورت استخراج و تولید می‌شوند؛ نخست به صورت متمرکز؛ با این توضیح که استخراج و تولید آنها به دست مردم نبوده؛ بلکه مثل پول و اسکناس، استخراج و تولید آنها متمرکز است. اینها رمزارزهایی هستند که در فضای مجازی مبادله آنها غیرمتمرکز است و احتیاج به واسطه ندارد؛ ولی تولیدشان متمرکز است و یک شرکت خاص تمام این توکن‌ها را تولید می‌کند و توکن‌های تولیدشده را در فضای مجازی عرضه می‌کند. بارزترین رمزارز متمرکز، رمزارز تتر است. دومین قسم رمزارز بر اساس استخراج آن، رمزارزی است که استخراج و تولید آن غیرمتمرکز است؛ بدین توضیح که هر کسی فرایند استخراج آنها را طی کند و بتواند معادلات ریاضی را با واسطه ماینرها حل نماید و رمز مورد نظر را به دست آورد، موفق به استخراج شده و در حقیقت همان رمز استخراج شده دارای اعتبار است. جدای از ویژگی‌های مشترک مربوط به ارزهای دیجیتال از جمله عدم نیاز به نهاد واسط برای جابه‌جایی پول، انتقال سریع وجه، مخفی بودن هویت دارنده ارز، هزینه عملیاتی پایین در سطح بین‌المللی، ویژگی خاص قسم اخیر، استخراج و تولید غیرمتمرکز آنهاست. در رابطه با رمزارزهای غیرمتمرکز که افراد انسانی با واسطه ماینرها و با عملیات ماینینگ دارایی خود را افزایش داده، سؤال مطرح می‌شود و آن اینکه در فقه اسلامی و به تبع، حقوق ایران که اسباب تملک محصور هستند، تملک بر چه مبنایی امکان‌پذیر است؟ این نکته نیز قابل ذکر است که اگرچه در تعداد اسباب مالکیت بین علما و محققان اختلاف نظر هست (عاملی، [بی تا]، ج ۱، ص ۳۶ و ۳۷/ جعفری لنگرودی، ۱۳۷۹، ص ۱۳۳ و ۱۳۴)، اما همه آنها در چهار سبب مشترک‌اند. همان‌گونه که در ماده ۱۴۰ قانون مدنی نیز به این چهار سبب اشاره شده و مقرر می‌دارد که چهار عامل موجب تملک می‌شوند: احیاء اراضی موات و حیازت اشیاء مباحه، عقود و تعهدات، اخذ به شفعه و ارث. حال تملک در رمزارزهای استخراج شده با کدام یک از عوامل چهارگانه منطبق است؟ فرضیه نوشتار حاضر این است که مالکیت نسبت به رمزارز، بر مبنای نظریه حیازت مباحات امکان‌پذیر می‌باشد. البته منظور از تملک در این نوشتار تملک اولیه بعد از استخراج توسط ماینر می‌باشد و نه تملک ارزهای استخراج شده؛ زیرا که مالکیت‌های بعدی بر رمزارز بعد از پذیرش تملک

اولیه، تحت عناوین عقودی مثل بیع، صلح و یا اجاره و ... با مانعی مواجه نمی‌باشد. در ضمن طرح این مسئله فرع بر قابلیت تملک رمزارزهاست؛ زیرا عده‌ای از فقیهان اهل سنت معتقدند که حق خلق و تولید پول به حاکمیت و دولت اختصاص دارد و بنا بر این نظر و نیز نظریه‌ای که استخراج رمزارز را از باب مقدمه قمار، حرام می‌داند، استخراج رمزارز دارای ممنوعیت شرعی می‌باشد (ذاکری، ۱۴۰۰، ص ۴۹۶ به بعد). البته برخی از فقهای امامیه نیز با تعبیر از حق ضرب سکه به «حق آقایی»، تولید پول و ضرب سکه را از حقوق منحصره حاکمیت می‌دانند (ترابی، ۱۳۹۹) و به نظر می‌رسد مبنای نظریه مذکور روایاتی است که در برخی از کتب روایی شیعه آمده است (محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۷، ص ۷۶). از جمله فقهای اهل سنت که استخراج رمزارز را قمار دانسته‌اند، بندر یحیی است که علت قماربودن استخراج رمزارز را این‌گونه بیان می‌کند که دستیابی اولین فرد با حل معادلات ریاضی به رمز مورد نظر، تلاش سایر افراد را در دستیابی به آن بیهوده و بی‌اثر می‌کند (یحیی، ۲۰۱۹، ص ۲۴۵). از اسباب چهارگانه تملک، عقود و تعهدات و حیازت مباحات در استخراج رمزارزها محتمل است. در عقود و تعهدات عقد جعاله را می‌توان به عنوان مبنای تملک رمزارزها مورد بررسی قرار داد؛ اما در این مقاله فرصت بررسی آن نمی‌باشد و مجال دیگری را می‌طلبد. این تحقیق به دنبال امکان‌سنجی تطبیق استخراج رمزارز به عنوان یکی از مصادیق حیازت مباحات می‌باشد. بدین جهت پس از بیان پیشینه و نوآوری تحقیق به بیان ارکان و شرایط حیازت مباحات و تطبیق آن بر استخراج رمزارز و اشکالاتی که بر این انطباق وارد است، پرداخته می‌شود. تحلیل مالکیت بر رمزارز بر مبنای حیازت مباحات، اگر امکان‌پذیر باشد، چالش‌های مالکیت بر مبنای جعاله را ندارد؛ چراکه بر مبنای حیازت مباحات، بدون انعقاد عقد یا ایقاع هر کس با قصد تملک، می‌تواند به استخراج رمزارز بپردازد و شخص حیازت‌کننده هیچ‌گونه ارتباطی با مخترع شبکه رمزارز ندارد و به صورت مستقل اقدام به استخراج می‌نماید؛ چه نفع و فایده‌ای به مخترع برسد یا نرسد. این در حالی است که در استخراج رمزارز بر اساس نظریه جعاله، در فرضی که جعاله عقد باشد دو اراده (جاعل و عامل) و در صورت ایقاع بودن آن یک اراده ولی با دو طرف، در تملک رمزارز دخیل می‌باشد. قابل ذکر است که در ایقاعات دو طرف متصور است؛ هرچند با یک اراده عمل حقوقی منعقد می‌شود. علاوه بر اینکه در جعاله دو طرف متصور است، دو موضوع هم متصور است، یکی عمل و دیگری جعل؛ درحالی که در

حیازت مباحات عمل موضوعیتی ندارد، بلکه دستیابی یا به عبارتی همان مال حیازت شده موضوعیت دارد؛ لذا در صورت جعاله دانستن استخراج رمزارز بحث معلوم بودن جُعل و چگونگی آن از مسائل مهم قابل بحث است ولی در حیازت مباحات، معلوم یا مجهول بودن مال حیازت شده خللی به صحت حیازت وارد نمی‌سازد.

پیشینه تحقیق

به جهت عدم سابقه و نوظهور بودن این مسئله، نوشته‌های معدودی در رابطه با رمزارز و بررسی ماهیت آن تحت عناوین فقهی نگاشته شده است. در برخی از این نوشته‌ها ضمن بحث از ماهیت‌شناسی ارز دیجیتال، منشأ، تاریخچه و فرایند استخراج، به احکامی که بر معاملات ثانویه آن به جهت قواعد فقهی مترتب است، پرداخته شده، اما مقاله حاضر با پژوهش‌های انجام‌شده تفاوتی اساسی دارد که در ذیل برخی از این مقالات مطرح و به تفاوت‌های موجود اشاره می‌شود.

خردمند (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی فقهی استخراج و مبادله رمزارزها با تمرکز بر شبکه «بیت‌کوین»»، اگرچه حیازت را به عنوان محتمل‌ترین سبب برای تحقق ملکیت نسبت به این رمز دانسته است، اما این احتمال را در حد یک ادعا مطرح نموده و ادله‌ای مبتنی بر تطبیق استخراج رمزارزها به عنوان مصداقی از حیازت امر مباح مطرح نکرده است. نویسنده صرفاً به بررسی و تبیین حیازت پرداخته بدون اینکه اشکالات و چالش‌های این تطبیق را مورد ارزیابی قرار دهد.

عیوضلو و دیگران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل فقهی اقتصادی استخراج ارزهای مجازی در نظام اقتصادی اسلام؛ (مطالعه موردی بیت‌کوین)»، به تمام احتمالات تطبیق استخراج رمزارز پرداخته و به‌طور مختصر بحث حیازت را مطرح کرده و معتقدند که نمی‌توان استخراج را به عنوان مصداقی از حیازت مباحات دانست.

ذاکری (۱۴۰۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «نقد دو دلیل بر حرمت استخراج بیت‌کوین و اثبات حلّیت آن به عنوان جعاله» فقط به تطبیق استخراج بیت‌کوین بر جعاله پرداخته و سخنی از حیازت به عنوان سبب مملک برای رمزارزها به میان نیاورده است.

آنچه این نوشتار را از تحقیقات فوق و سایر پژوهش‌ها متمایز ساخته، بررسی تفصیلی ارکان حیازت مباحات و امکان‌سنجی تطبیق استخراج ارزش‌های دیجیتال بر این عنوان و پاسخگویی به اشکالات این تطبیق با استفاده از روش اجتهادی فقه‌محور می‌باشد. روشی که توسط محققان اقتصاد اسلامی به عنوان یکی از روش‌های مهم پژوهش در اقتصاد اسلامی مطرح و به‌کارگرفته شده است (میرمعزی و غفورزاده، ۱۴۰۰، ص ۴۵-۷۳).

موضوع‌شناسی حیازت مباحات و استخراج رمزارز

حیازت مباحات

حیازت مباحات از دو واژه حیازت و مباحات تشکیل شده که حیازت از ریشه «حوز» و به معنی گردآوردن، جمع‌کردن، بر چیزی دست‌یافتن و مسلط‌شدن می‌باشد (بستانی و مهیار، [بی‌تا]، ص ۳۱۳) و مباحات نیز جمع «مباح» و به معنی جائز، روا، مجاز و مشروع است (همان، ص ۷۷۴). حیازت مباحات در معنای اصطلاحی عبارت است از: «سلطه و سیطره عرفی بر چیزی که سابقه ملکیت نداشته باشد» (مصطفوی، ۱۴۲۱ق، ص ۲۷۹). فقها در بحث‌های مختلفی از جمله کتاب احیای موات و شرکت و لقطه به آن اشاره کرده‌اند (شیخ طوسی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۳۲۳/ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۱۰۵). فقها از حیازت در قالب قاعده‌ای فقهی تحت عنوان «من حاز ملک» نیز نام برده‌اند که بر اساس قول قوی‌تر، این قاعده به صورت اصطیادی از روایات مربوط به احیای اراضی موات و باب لقطه و سایر روایاتی که بر مملکت بودن حیازت دلالت دارند، برداشت شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۱۲۱). برخی از حقوقدانان حیازت را از جمله ایقاعات دانسته‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۱۹)؛ در مقابل برخی معتقدند که حیازت موضوع عقود و ایقاعات را محقق می‌سازد؛ چراکه در ابتدا باید ملکیتی وجود داشته باشد تا اینکه عقود و ایقاعات بر آن موضوع واقع شوند. به همین خاطر حیازت را به عنوان یکی از اسباب اولیه برای تحقق ملکیت پذیرفته‌اند. حتی محقق/ایروانی از حیازت به «ام‌الاسباب‌المملکه» تعبیر نموده و باقی نواقل را متفرع بر آن دانسته است (ایروانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۶۲). بر اساس قول دوم، علت اینکه به وسیله حیازت، ملکیت ایجاد می‌شود این نیست که حیازت ایقاع تملیکی است، بلکه عقلاً آن را بر پایه ارتکازات خود سبب اصلی ملکیت می‌دانند و از طرفی دلیلی وجود ندارد که هر سبب ملکیت ابتدایی باید عقد و یا ایقاع

باشد (نظری، ۱۳۸۵، ص ۲۳). در ماده ۱۴۰ قانون مدنی نیز حيازت اشیای مباحه، به عنوان یکی از اسباب تملک مقرر شده است و همچنین در ماده ۱۴۶ قانون مدنی مقصود از حيازت را وضع ید یا مهیاکردن وسائل تصرف و استیلاء بیان می‌کند. از دیگر سو در ماده ۲۷ قانون مزبور مباحات را اموالی دانسته که ملک اشخاص نمی‌باشند.

رمزارز

برای بررسی دقیق ماهیت استخراج رمزارزها در ابتدا رمزارز تعریف و مقدمه‌ای درباره نحوه شکل‌گیری آن مطرح می‌شود. رمزارز، ارز رمزپایه یا ارز رمزنگاری‌شده، نوع خاصی از پول دیجیتال است که بر پایه علم رمزنگاری خلق و ایجاد شده است. این پول فاقد فرم و شکل فیزیکی بوده و تنها راه انتقال آن به صورت دیجیتال بر بستر اینترنت است و بیشتر شبیه تراکنش‌های بانکی و حواله است. رمزارزهای مطرح دنیا همچون «بیت‌کوین» فاقد پشتوانه حاکمیتی هستند و از این نگاه به خودی خود ارزشی ندارند؛ بلکه ارزش و مالیت آنها بسته به اعتبار افراد بر اساس میزان عرضه و تقاضاست (میرزاخانی و سعدی، ۱۳۹۷، ص ۷۷).

استخراج رمزارز

استخراج یا «ماینینگ» به فرایند پیچیده کامپیوتری گفته می‌شود که برای تأیید تراکنش‌های موجود و حفظ امنیت در شبکه‌ای غیرمتمرکز انجام می‌شود و ارز دیجیتال شبکه در این فرایند به عنوان پاداش به آنها داده می‌شود. در واقع طی فرایند ماینینگ رمزارزهای آن شبکه تولید و به شبکه عرضه می‌شوند. همانند افرادی که در معادن کار می‌کنند کامپیوترها برای پردازش و تأیید تراکنش‌ها از شبکه پاداش می‌گیرند؛ بنابراین فعالیتی که این کامپیوترها برای اعتبارسنجی و ذخیره اطلاعات شبکه انجام می‌دهند «استخراج» (Mining) نام دارد. به این کامپیوترها نیز در اصطلاح «ماینر» می‌گویند. با تجمع تعداد زیادی از ماینرهای پر قدرت جهت حل سریع معادلات مزبور، استخراج در نظر گرفته شده است؛ زیرا رایانه‌های معمولی به تنهایی در مدت‌زمان کوتاهی به خاطر سختی شبکه توان حل معادلات پیچیده ریاضی بلاک‌ها را ندارند (خردمند، ۱۳۹۸، ص ۱۱۲). هنگامی که افراد به‌طور گروهی و با اشتراک‌گذاری توان پردازشی خود اقدام به حل پازل‌های محاسباتی پیچیده ماینینگ ارز دیجیتال می‌کنند در واقع در استخراج ارز دیجیتال شرکت می‌کنند. ماینر یا ماینرهای

که بتوانند زودتر از بقیه ماینرها این پازل محاسباتی را حل کنند از طرف شبکه پاداش دریافت کرده و این پاداش‌ها همان رمزارزها می‌باشند و این رمزارزها توسط کسانی که این کامپیوترها را به کار می‌گیرند به کنترل و مالکیت درمی‌آیند. در نظام پولی متمرکز تمام تراکنش‌ها در یک دفتر کل نزد بانک مرکزی ثبت می‌شود. مشکلات و محدودیت‌های نظام‌های پولی متمرکز منجر به این شد که برخی به فکر حذف این نهاد واسط در مبادلات باشند. از طرفی گسترش اینترنت و فناوری زمینه را برای ظهور رمزارزها فراهم کرد. رمزارز در واقع فقط یک سری بیت است که در حافظه یک یا چند دستگاه ذخیره می‌شود و برخلاف اسکناس یا سکه نمونه فیزیکی ندارد؛ به همین جهت مانند هر منبع دیجیتالی دیگری می‌تواند بی‌نهایت کپی شود و این مشکل اصلی در سر راه توسعه ارزهای دیجیتال بود. از طرفی در سیستم پرداخت غیرمتمرکز که در آن نهاد واسطی وجود ندارد و سیستم هم‌تا به هم‌تا محسوب می‌شود، مشکل عدم پرداخت دوباره و ثبت و تأیید تراکنش و به‌روزرسانی آنها بر عهده سیستم قرار گرفته است. حال برای ایجاد و نگهداری یک دفتر کل غیرمتمرکز امن، استفاده از یک برنامه امنیتی کافی نیست؛ زیرا به‌راحتی توسط هکرها قابل نقض و دستبرد می‌باشد. برنامه نویسان علم کامپیوتر به وسیله دو فناوری زنجیره بلوکی (Blockchain) و رمزنگاری (Cryptography) این مشکل را حل کردند. در زنجیره بلوکی، هر بلوک فایلی است که شامل داده‌هایی با مهر زمان است. برای ساخت دفتر کل یک بلوک جدید باید به جدیدترین بلوک چسبیده شود. معمای رمزنگاری شده نقش این اتصال را بر عهده دارد که یک بلوک را به‌طور دائم به بلوک قبلی متصل می‌کند. برای حل این معما مقدار زیادی قدرت محاسباتی نیاز است که توسط ماینرها ایجاد می‌شود. البته چگونگی و الگوریتم این رمزنگاری در هر زنجیره بلوکی متفاوت است؛ بنابراین در فرایند استخراج ماینر با انجام عملیات رمزنگاری و بعد از تأیید صحت عملیات توسط سایر اعضا صاحب پاداش یا همان ارز دیجیتال می‌شود (جلالیان زعفرانی و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۱۷/ وانلین وانگ، ۱۴۰۱، ص ۱۳/ صادقی و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۷۸).

از آنجاکه رمزارز با پول مجازی شباهت‌های زیادی دارند، پول مجازی تعریف و تفاوت این دو مفهوم مطرح می‌شود. بریتو (Brito) و کاستیلو (Castillo) در مقام تعریف پول مجازی بیان می‌دارند که: پول مجازی وسیله مبادله‌ای است که مانند پول عمل می‌کند اما تمام جنبه‌های پول واقعی را ندارد. انواع مختلفی از پول‌های مجازی وجود دارد و یکی از آنها «پول

مجازی تبدیل‌پذیر» نام دارد که این‌طور تعریف می‌شود: ارزش مشابه پول واقعی دارد یا به عنوان جایگزین پول واقعی عمل می‌کند (Brito & Castillo, 2013, p. 85). یکی دیگر از پژوهشگران پول مجازی را ارزش پول منتشره از سوی دولت یا بخش خصوصی می‌داند که روی یک وسیله الکترونیکی ذخیره شده است (تقوا و جلالیان زعفرانی، ۱۳۹۹، ص ۱۸)؛ بنابراین تفاوت عمده پول مجازی با رمزارز در تمرکز و عدم تمرکز است؛ بدین توضیح که رمزارزها غیرمتمرکزند و هیچ حاکمیت یا دولتی در ایجاد و خلق آنها نقشی نداشته؛ برخلاف پول مجازی که توسط دولت‌ها یا مؤسسات تحت کنترل دولت ایجاد می‌شوند.

در ادامه به بیان ارکان و شرایط حیازت مباحات و تطبیق آن بر فرایند استخراج پرداخته می‌شود. با تأمل در موارد کاربرد حیازت در مسائل فقهی استنباط می‌شود که حیازت پیش از آنکه امری شرعی باشد، امری عقلایی و عرفی است؛ لذا فقها از حیازت همان معنای لغوی و عرفی آن را لحاظ می‌کنند. به همین جهت گفته شده حیازت در هر شیء به حسب همان شیء است و نقطه مشترک همه این مصادیق وضع ید و یافتن و استیلا نسبت به آن شیء می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۱۲۹). در کنار شرایط تحقق عرفی حیازت که همان وضع ید و یافتن استیلا بر مال می‌باشد، شرایط و ارکان دیگری را نیز فقها برشمرده‌اند. شناخت ارکان حقیقی و شرایط تحقق ملکیت به سبب حیازت راه را برای شناسایی استخراج رمزارز به عنوان مصداقی از حیازت هموار می‌کند. اینکه در تحقق حیازت، مال مورد حیازت باید دارای چه شرایطی باشد و چگونه می‌توان رمزارز را به عنوان مال مباحی که می‌تواند مورد حیازت قرار گیرد، در نظر گرفت و از طرفی فردی که اقدام به حیازت می‌کند باید چه ویژگی‌هایی را دارا باشد و آیا مستخرج را می‌توان دارای آن ویژگی‌ها دانست؟ اینها بخشی از مسائلی است که در ذیل دو عنوان «ارکان و شرایط مال مورد حیازت و تطبیق آن بر رمزارز استخراج‌شده» و «ارکان و شرایط حیازت‌کننده و تطبیق آن بر فرد مستخرج» مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ارکان و شرایط مال مورد حیازت و تطبیق آن بر رمزارز استخراج‌شده

حیازت به عنوان عملی حقوقی بر موضوعی واقع می‌شود و فقها شرایطی را برای این موضوع لحاظ کرده‌اند که مال مورد حیازت باید دارای آن ویژگی‌ها باشد. موجود بودن، مباح بودن و مالیت داشتن مال مورد حیازت، سه ویژگی‌ای است که تحقق آنها در رمزارز استخراج‌شده،

مورد اشکال واقع شده و ضرورت بررسی آن وجود دارد. البته ویژگی‌های دیگری همچون منقول بودن، عدم سابقه حیازت یا ملکیت توسط دیگری و در دسترس همگان بودن نیز به عنوان شرایط مال مورد حیازت مطرح است که در رابطه با استخراج رزمراز محقق می‌باشند و اشکال عمده‌ای در این جوانب وجود ندارد؛ چراکه رزمراز وقتی که به کیف پول فرد استخراج‌کننده وارد می‌شود، او می‌تواند آن را به فرد دیگری انتقال دهد و از طرفی مستخرج رزمراز اولین کسی است که اقدام به حیازت استخراج‌شده‌ها می‌کند. علاوه بر اینکه نیاز نیست مال مورد حیازت در دسترس همگان باشد.

موجود بودن رزمراز برای تحقق عنوان حیازت آن

شرط ارتكازی‌ای که در تحقق حیازت می‌توان در نظر گرفت موجود بودن مال مورد حیازت قبل از حیازت است؛ اما از آنجایی که رزمرازها وجود فیزیکی و قابل رؤیت در خارج ندارند، تحقق و احراز این شرط برای حیازت آنها مورد اشکال واقع شده است. در این بخش به دنبال حل این مسئله هستیم که عدم تحقق رزمراز تا قبل از استخراج به معنای عدم وجود آن است یا اینکه می‌توان یک نحوه وجود تقدیری برای آن لحاظ کرد تا تحقق حیازت نسبت به آن مورد تأیید قرار گیرد؟

برخی از محققان علت عدم پذیرش استخراج رزمراز تحت عنوان حیازت مباحات را عدم وجود فعلی رزمراز تا پیش از استخراج دانسته و بیان داشته‌اند: «وجود بالفعل مال، پیش از تملک باید وجود داشته باشد و بدون وجود بالفعل حیازتی محقق نمی‌گردد؛ زیرا رکن مادی حیازت، تصرف و وضع ید یا استیلا بر مال با امکان تصرف و انتفاع و مهیاکردن وسایل تصرف و استیلا است؛ درحالی که در ارزشهای مجازی قابل استخراج باید گفت: تا پیش از استخراج هیچ ارزی وجود ندارد؛ به عبارت دیگر، استخراج علت خلق و ایجاد ارزشهای قابل استخراج می‌باشد و تا پیش از استخراج، ارزی وجود ندارد و تصرف و انتفاع نیز بالتبع منتفی می‌باشد. به همین دلیل تطبیق استخراج بر حیازت مباحات، تخصصاً منتفی است» (عیوضلو و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۹). با بررسی متون فقهی به نظر می‌رسد وجود فعلی مال مباح در تمامی مواردی که فقها از حیازت بحث کرده‌اند محقق و مفروض گرفته شده است و علت آن این است که حیازت را در مواردی مورد بحث قرار داده‌اند که مال غالباً

موجود بوده است؛ لذا در خلال مطالب خود درباره حيازت مباحات به اصل وجود مال نپرداخته‌اند؛ به عبارتی مسئله وجود فعلی و یا وجود تقدیری برای آنها مطرح و محل بحث نبوده است؛ بنابراین پاسخ به مسئله مزبور مانع اصلی برای حيازت دانستن استخراج رمزارز را برطرف می‌کند.

درباره وجود موضوع در حيازت دو احتمال متصور است: یکی اینکه وجود فعلی مال شرط تحقق حيازت و بالتبع ملکیت است؛ احتمال دیگر آنکه وجود فعلی شرط تحقق حيازت بوده، بلکه وجود بالقوه و تقدیری هم کفایت می‌کند. در مورد استخراج رمزارز نیز دو احتمال قابل تصور است: اول اینکه بگوییم رمزارز استخراج شده قبل از استخراج هم یک نحوه ثبوت و وجود تقدیری داشته و ماینر و مستخرج با عملیات استخراج اقدام به استیفا و کشف آن می‌کند؛ دوم اینکه مشکل عدم وجود رمزارز و عدم تعلق ملکیت به امر عدمی را با وجود آنی قبل از ملکیت حل کنیم. بدین صورت که یک لحظه، بعد از اینکه توسط ماینر استخراج شد و وجود پیدا کرد ملکیت نسبت به آن محقق می‌شود. مشابه توجیهاتی که در بحث معاطات بر اساس قول به اباحه مطرح می‌شود و بیان می‌دارد اگرچه مباح‌له مالک مال نیست ولی مجاز به تصرف در مال معاطاتی می‌باشد و علت آن ملکیت آنی نسبت به مال قبل از اراده تصرف در آن می‌باشد (جزایری، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۱۰۰). مشابه آنچه در قاعده «تلف المبیع قبل القبض من مال المالك» برای توجیه این مشکل که چرا تلف از مال مالک می‌باشد و حال آنکه بیع محقق شده و مبیع به ملکیت مشتری در آمده؟ توجیه شده است که یک آن قبل از تلف مبیع، بیع منفسخ می‌شود و بدین جهت مال به ملکیت صاحب قبلی خود یعنی بایع درمی‌آید و اکنون که تلف شده است از مال بایع می‌باشد. البته این نحو از ملکیت آنی در برخی دیگر از موضوعات فقهی هم پذیرفته شده است (بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۷۷)؛ بر این اساس اگرچه رمزارز قبل از استخراج موجود نبوده است، اما یک لحظه بعد از اینکه توسط ماینر استخراج شد، موجود و محقق گردیده است و بعد از آن به سبب حيازت به ملکیت مستخرج درمی‌آید. شاید بر این تنظیم اشکالی وارد شود بدین شرح که در موارد فوق اصل مطلب مسلم بوده و لذا توجیه فقهی می‌طلبید که فقها با ملکیت آنی آن را توجیه کردند؛ اما در بحث فعلی اصل مطلب قابل بحث است که از مصادیق حيازت مباحات هست یا خیر؟ در پاسخ به سؤال فوق می‌توان گفت اولاً در مسئله مورد بحث هم اصل مطلب مسلم است؛

بدین بیان که عقلای عالم استخراج‌کننده رمزارز را مالک رمز استخراج‌شده می‌دانند و مالکیت مستخرج بر رمز امری مسلم است؛ منتها باید سبب و علت آن در شرع و حقوق توجیه گردد و چون این بحث از مسائل نوظهور است، لذا در تطبیق موضوع بر هر سبب مملکی توجیهاتی چند لازم است؛ ثانیاً همان‌طور که مشهود است در خصوص وجود رمزارز قبل از استخراج، دو طریق مطرح شد: نخست وجود تقدیری و دوم وجود آنی و بر فرض عدم پذیرش وجود آنی، وجود تقدیری رمزارز قابل تصور می‌باشد.

به نظر می‌رسد با توجه به مطالبی که گذشت بتوان برای رمزارز یک نحوه ثبوت و وجود تقدیری در نظر گرفت؛ چراکه در فرایند استخراج و به تعبیری معدن‌کاوی، ماینر اقدام به حل معادله و رمزنگاری آن می‌کند و در قبال آن، سیستم رمزها را در اختیار او قرار می‌دهد که یک نحو اعتباری می‌باشد. این نشان می‌دهد که رمزارز قبل از این اعتبار هم نحوه‌ای از ثبوت و وجود تقدیری را داشته است. علاوه بر اینکه اگر این احتمال را نپذیریم احتمال دوم را می‌توان راه‌حل و توجیهی مناسب برای تحقق حیازت نسبت به رمزارزی که بعد از استخراج موجود می‌شود، دانست.

برای اثبات عدم شرطیت وجود بالفعل در حیازت، به دو دلیل می‌توان اشاره داشت:
 اول: با توجه به اطلاق تعاریفی که فقها از حیازت مباحث ارائه داده‌اند، وجود مال مورد حیازت اعم از وجود فعلی و وجود تقدیری است. علاوه بر اینکه در تحقق عنوان حیازت برداشت و تفاهم عرفی ملاک است و عرف، استیلا و سلطه بر آن را ملاک صدق عنوان حیازت می‌دانند؛ به همین خاطر در صورتی که نسبت به اموالی که وجود بالقوه دارند، این سلطه ایجاد شود، می‌توان گفت که حیازت محقق شده است. پس وجود اعم از وجود بالفعل و بالقوه است. علاوه بر اینکه در ماده ۱۴۶ قانون مدنی که به تعریف حیازت پرداخته است مهباکردن وسایل تصرف و استیلا را نیز به عنوان تعریفی از حیازت برای برخی از اموال دانسته است که نشان می‌دهد وجود و تحقق فعلی مال هم در بعضی انواع حیازت شرط نیست و از این جهت که رمزارز در واقع یک نحوه ثبوتی دارد و ماینر در فرایند استخراج اقدام به به‌دست‌آوردن آن می‌کند، از این رو دارای وجود بالقوه است؛ به همین جهت می‌توان گفت که عنوان حیازت درباره استخراج صادق است.

دوم: ادله‌ای که فقها بر سببیت حیازت بر ملکیت بیان داشته‌اند، اطلاق دارند؛ به این بیان که فقها در تحقق ملکیت در فرایند حیازت به دو دسته ادله تمسک کرده‌اند:

الف) ادله نقلی

صریح‌ترین دلیل موثقه سکونی از امام صادق علیه السلام است. در این روایت آمده است: «لِلْعَيْنِ مَا رَأَتْ وَ لِلْيَدِ مَا أَخَذَتْ» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۱۱۲). بیان فقهی این روایت آن است که رؤیت موجب مالکیت نمی‌شود و چشم صرفاً حق حظ بصر دارد و می‌تواند تماشاگر باشد. آنچه موجب مالکیت می‌گردد، وضع ید یعنی تسلط و استیلاست (محقق داماد، ۱۳۸۴، ص ۲۵۰)؛ پس «اخذکردن» سبب ملکیت و هر آنچه متعلق اخذ واقع می‌شود را می‌توان مالک شد. این بیان اطلاق دارد و شامل وجود بالفعل و بالقوه می‌شود و در صورتی که مالی که بالقوه هم هست مورد اخذ واقع شود و سایر شرایط حیازت هم موجود باشد، حیازت محقق می‌شود.

ب) بنای عقلا

عمده دلیلی که بر ملکیت به سبب حیازت آورده می‌شود سیره و بنای عقلا می‌باشد. بنای عقلا بر این قرار گرفته است که به سبب حیازت حق اختصاص برای فرد ایجاد می‌شود و شارع هم آن را مورد امضا قرار داده است و اگرچه شرایطی برای تحقق ملکیت به سبب آن مقرر داشته است، اما این مفهومش این نیست که اصل آن تعبدی و از ناحیه شارع است، بلکه امری عرفی و عقلایی است. صاحب جواهر تملک به سبب حیازت را به عنوان سیره‌ای که در همه اعصار وجود داشته و فرقی هم بین مسلمین و غیر آن وجود نداشته است معرفی می‌کند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۸، ص ۱۱۶)؛ از این رو ملاک تحقق و وجود مال مجاز هم یک مفهوم عرفی است. در برخی موارد با اینکه عقلا علم قطعی به وجود چیزی هم ندارند، ولی احتمال تحقق آن را می‌دهند، اقدام به حیازت کرده و مقدمات آن را فراهم می‌کنند؛ مثل مواردی که فرد اقدام به اکتشاف معدن می‌کند؛ بنابراین متوجه می‌شویم از نگاه عرف برای تحقق عنوان حیازت وجود فعلی مال نیازی نیست و حتی وجود بالقوه و چه بسا احتمال تحقق زمینه را برای حیازت و استیلای آن فراهم می‌آورد و هنگامی که حیازت و سلطه بر مال محقق شد فرد مالک آن می‌شود.

در مورد بحث ما نیز مستخرج در فرایند استخراج رمز ارز اگرچه می‌داند که تا قبل از اتمام کار هیچ سکه یا رمزی را دارا نخواهد شد و از طرفی مطمئن است در صورتی که

ماین کردن و رمزنگاری دستگاه تمام شود حایز سکه خواهد شد و با صرف احتمال تعلق سکه به او، اقدام به ماینینگ می کند. این نشان می دهد که فرد مستخرج یک نحوه ثبوت برای رمزارز قائل شده است. پس همین که وجود رمزارز ولو بالقوه را در نظر گرفته و اقدام به حیازت آن می کند می توان گفت که وجودداشتن رمزارز امری مسلم برای افرادی است که اقدام به استخراج می کنند و همین اندازه از اعتبار برای تحقق عنوان حیازت کفایت می کند.

مباح بودن رمزارز برای تحقق عنوان حیازت آن

یکی از اشکالاتی که در تطبیق رمزارزها به عنوان مصداقی از حیازت مباحات مطرح می شود، مباح بودن رمزارزهاست. چگونه می توان رمزارز استخراج شده را جزو اموال مباح به شمار آورد و حال آنکه مخترع و مبدعی دارند و چه بسا گفته شود که مالکیت معنوی او نسبت به این سیستم و تمام ارزهایی که استخراج می شود وجود دارد؟ بر فرض مباح دانستن، رمزارزها جزو کدام قسم از اقسام مباحات می باشند؟

فقهها دو مصداق را برای اموال مباحی که به سبب حیازت به ملکیت درمی آیند، برشمرده اند: انفال و مباحات. انفال در فقه امامیه، عبارت است از اموالی که در اختیار پیامبر ﷺ و پس از ایشان در اختیار امامان علیهم السلام می باشد (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۱۶، ص ۱۱۶). انفال در زمان غیبت متعلق به حکومت اسلامی است؛ همچنان که در اصل ۴۵ قانون اساسی نیز به آن تصریح و بیان شده است که: «انفال و ثروت های عمومی از قبیل زمین های موات یا رهاشده، معادن، دریاها، دریاچه ها، رودخانه ها و سایر آب های عمومی، کوه ها، دره ها، جنگل ها، نیزارها، بیشه های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث و اموال مجهول المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می شود، در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید. تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می کند»؛ بنابراین هیچ یک از این اموال جزو مباحات و قابل تملک خصوصی نیستند (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۷۱). قسم دوم، مباحات می باشند که در یک تقسیم بندی به مباحات اصلیه و مباحات عرضی تقسیم می کنند که در ذیل به تعریف هر از این اقسام پرداخته می شود.

۱. مباحات اصلی: کلیه ثروت‌های طبیعی به‌جز آن دسته که جزء انفال محسوب می‌گردند و مالک خاص ندارند، جزء مباحات اصلی محسوب می‌شوند؛ مانند آب‌ها، علف‌ها، حیوانات دریایی، کبوتران هوا و اشیایی که در درون دریاها قرار دارند.

۲. مباحات بالعرض: مباحات بالعرض آن دسته از اموالی هستند که هرچند متعلق حق مالکیت هستند و سابقه تملک اشخاص نسبت به آنها معلوم است، ولی به جهتی این رابطه قطع گردیده و حکم اموال مباح بر آنها جاری می‌گردد. از مصادیق روشن این مباحات، اشیای پیداشده و اموالی است که مورد اعراض مالکین قرار گرفته‌اند و نیز دفینه‌ها و گنج‌ها (محقق داماد، ۱۳۸۴، ص ۲۶۱ / جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ص ۶۰۸).

استخراج رمزارز از جمله انفال و مباحات اصلیه نمی‌باشد؛ اما می‌توان آن را به عنوان مباحات بالعرض در نظر گرفت؛ چراکه بر فرض وجود رابطه مالکیت مبدع و مخترع با «بلاک چین» مربوط به هر رمزارز اعم از مالکیت معنوی و یا غیر آن، این رابطه قطع شده است؛ چراکه ارزشمندی و اعتبار رمزارزها به اقبال عمومی و تقاضای همگانی مرتبط است و این اقبال و تقاضا زمانی محقق خواهد شد که فرد استخراج‌کننده بتواند مالک رمزارز استخراج‌شده شود؛ بر این اساس که مالکیت قبلی زائل و یا قطع شده باشد. همچنان‌که بعد از استخراج، ارزش آن بر اساس عرضه و تقاضا متغیر و مشخص می‌شود؛ بنابراین آن رابطه اولیه مالکیت بر فرض وجود، قطع شده است و به‌نحوی از آن اعراض شده است. علاوه بر این در خیلی موارد اصلاً مخترع مشخص و معلومی برای بلاک‌چین‌هایی که رمزارزها را پشتیبانی می‌کنند وجود ندارد و یا در مواردی هم که نامی از آنها وجود دارد با توجه به قرائن یقین به وجود چنین فردی نمی‌توان کرد؛ برای مثال در «بلاک‌چین» رمزارز «بیت‌کوین» (Bitcoin) با اینکه فردی به نام ساتوشی ناکاموتو (Satoshi Nakamoto) به عنوان مخترع آن معرفی شده، ولی تاکنون شخصیت حقیقی و وجود خارجی چنین شخصی احراز و اثبات نشده است (شاهمیری، ۱۴۰۰، ص ۴۰) و دیگر اینکه بر فرض تحقق مالکیت معنوی نسبت به «بلاک‌چین» هر رمزارز، این مسئله مانع از تحقق مالکیت نسبت به رمزارزی که حاصل از آن می‌باشد، نیست.

با توجه به مطالب فوق اشکال مقدر دیگری هم دفع می‌شود و آن اشکال این است که با توجه به اینکه محل وقوع مباحاتی که قابل حیازت هستند، انفال می‌باشد؛ مثل ماهی که در

دریا قرار دارد؛ بنابراین مباحات هم از اساس و طبق قاعده فقهی «الفرع یتبع الاصل» (سبحانی، ۱۴۱۵ق، ص ۴۵) جزو انفال می‌باشد و تفاوت تنها در این است که انفال غیرمنقول و مباحات منقول است و در این صورت اساساً نمی‌توان در خصوص رزمراز بحث حیازت مباحات را مطرح کرد. در پاسخ می‌توان گفت که این نظریه و اشکال حتی اگر پذیرفته شود، در خصوص مباحات اصلی می‌باشد؛ اما در مورد مباحات بالعرض که رزمراز در زمره آنها دانسته شد، این اشکال صادق نمی‌باشد.

مالیت رزمرازها و تحقق عنوان ملکیت و حیازت نسبت به آن

یکی از اشکالاتی که ممکن است بر ملکیت رزمرازها وارد شود، بحث مالیت داشتن آنهاست. اینکه در فرایند حیازت، شیء حیازت شده باید دارای مالیت باشد تا اینکه ملکیت هم نسبت به آن محقق شود یا خیر؟ در صورتی که مالیت عرفی رزمرازها به جهت مصالحی از جانب دولت‌ها مورد اعتبار قرار نگیرد آیا ملکیت نسبت به آنها محقق نمی‌شود؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها با دقت بیشتری به مفهوم حیازت پرداخته می‌شود. به سبب حیازت برای فرد ملکیت حاصل می‌شود و حیازت نوعی از سلطه و سیطره می‌باشد؛ اما هر سلطه‌ای را نمی‌توان به عنوان حیازت برشمرد؛ چراکه باید این سیطره منفعت اقتصادی داشته و بر امری باشد که دارای مالیت و منفعت است. از طرفی ارزش و مالیت یک شیء ناشی از رغبت و مطلوبیت آن میان عرف عقلا و تسابق جمعی از آنها برای به دست آوردن آن است. البته در اینکه رغبت چه تعداد از عقلا لازم است، اختلاف نظرهایی وجود دارد؛ برخی رغبت یک یا چند نفر از عقلا را اعم از اینکه به صورت فردی باشد یا نوعی برای تحقق مالیت کافی می‌دانند (طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ص ۳۲۶/ حائری، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۰۷)؛ اما از نظر برخی رغبت نوع عقلا لازم است (خویی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۳) و برخی رغبت بعضی از عقلا را در تحقق مالیت شیء کافی می‌دانند (خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۸/ صدر، ۱۳۹۳، ص ۲۷۴). حال در رابطه با استخراج رزمراز این معنی محقق می‌باشد؛ چراکه با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد رزمرازها از جمله انتقال آسان و سریع، عدم محدودیت نسبت به مرز کشورها، غیر قابل جعل، حفظ ارزش و ...، رغبت روزافزون مردم برای استفاده از آن وجود دارد؛ بنابراین مالیت آنها مورد پذیرش عقلا می‌باشد؛ به این معنی که به جهت ارزشمندی و منفعتی که دارد افراد حاضر به صرف هزینه

برای به دست آوردن آن هستند و از این جهت مانعی برای تحقق ملکیت به سبب حیازت در فرایند استخراج رمزارز وجود ندارد.

از طرفی بر فرض اینکه مالیت رمزارزها به خاطر مسائلی مورد قبول قرار نگیرد و یا دولت‌ها خرید و فروش آن را ممنوع اعلام کنند مانع از این نیست که رمزارزها ملکیت نداشته باشند؛ چراکه با توجه به اصل بنای عقلا که در پذیرش حیازت به عنوان سبب مملک بیان شد، متوجه می‌شویم هر آنچه که عقلا در آن منفعتی را شناسایی کنند با تحقق سایر شرایط حیازت، می‌تواند مورد تصرف قرار بگیرد و با تحقق قصد نسبت به آن، ملکیت به وجود بیاید.

ارکان و شرایط حیازت‌کننده و تطبیق آن بر مستخرج رمزارز

اگرچه در نگاه عرفی صرف حیازت سبب استیلای بر مال مورد حیازت شده است، اما اعتبار ملکیت حاصل از این عمل در نگاه شرعی، علاوه بر شرایطی که برای مال مورد حیازت نیاز دارد که گذشت، شرایطی برای فرد حایز نیز می‌طلبد. در ادامه به این شرایط پرداخته می‌شود و از دیگر سو برای شناسایی و تطبیق استخراج بر عمل حیازت، نیازمند وجود آن شرایط در فرد مستخرج نیز می‌باشیم. دو شرط «اهلیت» و «قصد حیازت و ملکیت» مستخرج مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اهلیت مستخرج برای تحقق عنوان حیازت

اگرچه اهلیت به عنوان رکنی در عقود و تعهدات مطرح است و فقها در ابواب مختلف به شرطیت آن اذعان دارند، در فقه اسلامی اهلیت تحت عنوان شرط و رفع تکلیف انسانی به عنوان یکی از شرایط متعاقدین مطرح شده است (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۲۷۵/ عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۲، ص ۵۴۴/ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۲، ص ۲۶۰). حال سؤال اینجاست که در عمل حیازت که به عنوان سبب ملکیت ابتدایی لحاظ می‌شود، شخص باید تمام ارکان اهلیت را داشته باشد یا خیر؟ قبل از پاسخ به این مسئله لازم به تذکر است که اهلیت دارای دو بعد می‌باشد. اهلیت تملک که اطفال هم از آن برخوردارند (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۶، ص ۲۷۶) یا حتی جنین به شرط زنده متولدشدن از این نوع اهلیت برخوردار است (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۹، ص ۳۹۴/ حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۷۰) و اهلیت تصرف همچون خرید و فروش که در آن کمال یعنی بلوغ و عقل و رشد لازم است (عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۲، ص ۵۴۴/ طباطبایی، ۱۴۱۸ق،

ج ۸، ص ۲۱۶ / نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۲، ص ۲۶۰). اهلیت تملک عبارت است از صلاحیت داراشدن حق و استعدادی که بر اساس آن، شخص از حقوق خصوصی بهره‌مند می‌شود؛ لذا از نظر فقهی کودک مالک و صاحب حق می‌گردد (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۱۶، ص ۲۷۶)؛ اما اهلیت تصرف به معنی صلاحیتی است که شخص به سبب قانون می‌تواند حق خود را اجرا و اعمال کند؛ از جمله اینکه بتواند اموال خود را بفروشد یا اجاره دهد یا هبه نماید. طبق منابع فقهی در این قسم از تصرفات، مالک باید اهلیت به معنای خاص آن (بلوغ، عقل و رشد) را داشته باشد (عاملی، ۱۴۱۹، ج ۱۲، ص ۵۴۴ / طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۸، ص ۲۱۶ / نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۲، ص ۲۶۰). اهلیت تصرف زمینه‌ساز و ملازم با صلاحیت تملک مال می‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۳). در بحث ما اهلیت از بعد صلاحیت تصرف مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ چراکه در صورت تحقق شرایط اهلیت تصرف از طرف مستخرج، استیلائی او با تحقق ملکیت نسبت به رمزارز ملازمه دارد. این صلاحیت دارای سه رکن و با وجود عقل، بلوغ و رشد محقق می‌شود. آنچه که در عمل واقع می‌شود این است که با اتمام فرایند استخراج، رمزارز به کیف پول شخص وارد و تحت تصرف او قرار می‌گیرد و فرد دیگری قابلیت دسترسی و انتقال آن را نخواهد داشت؛ بنابراین بررسی شرطیت ارکان اهلیت تصرف، در رابطه با مستخرج لازم می‌باشد؛ به این معنی که اگر مستخرج صغیر یا سفیه یا مجنون باشد آیا ملکیت در حق او محقق می‌شود؟

برای پاسخ به این مسئله بحث در سه صورت دنبال می‌شود.

نخست: در صورتی که مستخرج مجنون باشد:

مبتنی بر مطالب فوق که قصد حیازت شرط است، این نتیجه حاصل می‌شود که مجنون چون دارای شعور و قصد نیست و توان اعمال حق خود را ندارد، تسلطش بر مال مباح، زمینه‌ساز تحقق ملکیت او نیست (خویی، ۱۳۶۵، ص ۳۵۱)؛ زیرا در تعریف حیازت، قصد حیازت به عنوان رکنی از این عمل حقوقی لحاظ شده است و برای تحقق ملکیت، قصد حیازت لازم است. به همین جهت در فقه، کلیه احکام تکلیفی و وضعی از مجنون برداشته شده است (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۱، صص ۷۴ و ۱۴۶ و ج ۴، ص ۱۶۴ / فاضل آبی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۵۳۹). حال درباره مستخرجی که مجنون است هم این مطلب صدق می‌کند. چنانچه مجنون به سبب استخراج، حائز رمزارزی شد، این حیازت تملکی را برای او در پی ندارد؛ زیرا که از اساس

تحقق قصد استخراج برای او محقق و متصور نیست و چون قصد حیازت محقق نمی‌باشد نمی‌توان او را مالک دانست. علاوه بر اینکه تحقق این مورد به جهت سازوکار استخراج و مقدمات فنی مربوط به آن از جانب شخص مجنون غیر قابل تصور است؛ مگر اینکه تهیه مقدمات را توسط ولی مجنون بدانیم که در این صورت چون تحقق قصد نسبت به استخراج در این مورد توسط ولی او محقق می‌باشد عنوان حیازت هم محقق می‌شود و می‌توان مجنون را مالک رمزارز استخراج شده دانست؛ اما جواز تصرفات ثانویه بعد از استخراج برای او قابل تصرف نیست.

به‌هرحال با توجه به ماهیت حیازت که لزوم وجود قصد حیازت برای تحقق ملکیت شرط است و از سوی دیگر، مجنون فاقد قصد است، بدیهی است که مجنون نمی‌تواند مستخرج رمزارز باشد و در استخراج عقل لازم است.

دوم: در صورتی که مستخرج سفیه باشد:

رشد به عنوان رکنی مستقل نسبت به عقل و بلوغ از ارکان اهلیت تصرف، مطرح است. رشید در مقابل سفیه قرار دارد و به کسی می‌گویند که توان اصلاح مال خویش را داشته و از هزینه کرد آن در مسیر غیرعقلانی باز دارد (عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۱۱۰). به‌طور قطع سفیه در تصرفات مالی محجور است؛ اما از این جهت که حیازت تصرف مالی که منجر به انتقال مال در مقابل عوض شود، محسوب نمی‌شود، بلکه اکتساب و تحصیل مال بدون عوض می‌باشد، تحقق رشد برای صحت حیازت لازم نیست. همچنانکه که تصرفات غیرمالی سفیه نیز جایز و نافذ است.

در رابطه با مستخرج نیز می‌توان این‌گونه بیان داشت که رشد و عدم سفاهت اگرچه در تصرفات ثانویه بر رمزارز لازم است و بدون آن این تصرفات صحیح نیست، اما در فرایند استخراج رمزارز سفاهت مانعیتی برای تحقق ملکیت نسبت به آنچه که استخراج می‌شود، ندارد؛ بنابراین مستخرج سفیه نیز توان حیازت رمزارز را پس از استخراج داراست.

سوم: در صورتی که مستخرج صغیر باشد:

بلوغ عبارت است از رسیدن به سن مشخصی که فرد در آن سن می‌تواند مستقلاً مصالح و منافع خود را درک کند و جهت تأمین آنها در اموال خود تصرف کند؛ بنابراین تا قبل از بلوغ نسبت به تصرفات مالی محجور می‌باشد؛ اما همان‌طور که بیان شد، حیازت مباحات، تصرفی

مالی در جهت انتقال و یا معاوضه مال نیست؛ بلکه تحصیل و استیلا بر مال می‌باشد و از طرف دیگر عاملی که سبب تفاوت حجر صبی از مجنون می‌شود این است که حجر صبی برای حمایت از منافع اوست و نه از این باب که او فاقد شعور و قصد است؛ بنابراین تصرفاتی که دارای جنبه اجرای حق می‌باشد با تصرفاتی که دارای جهت برخورداری و تملک بدون عوض می‌باشد، متفاوت است؛ از این رو تصرفاتی مثل حیازت که بدون هزینه است در حق او قابل اجراست (نظری، ۱۳۸۵، ص ۴۵)؛ به علاوه اینکه صبی ممیز امکان قصد و اراده آگاهانه نسبت به کارهای خود را دارد، حیازت او ملکیت را نیز برایش به دنبال خواهد داشت. البته این نکته در ماده ۱۲۱۲ قانون مدنی پس از آنکه اعمال حقوقی صغیر را باطل اعلام می‌کند بیان می‌دارد که: «مع ذلک صغیر ممیز می‌تواند تملک بلاعوض کند؛ مثل قبول هبه صلح بلاعوض و حیازت مباحات».

بنا بر مطالبی که گذشت، عدم شرطیت بلوغ برای تحقق ملکیت به سبب حیازت، در مورد صبی ممیز اثبات شد؛ بنابراین مستخرج اگر صبی ممیز و غیر بالغ باشد، مانعی از تحقق ملکیت نسبت به رمزارز استخراج شده نخواهد داشت. البته همان‌طور که بیان شد، تصرفات ثانویه بعد از تحقق ملکیت را نمی‌تواند انجام دهد و نسبت به آنها محجور است. اما در رابطه با صغیر غیر ممیز با توجه به اینکه قصد و اراده در رابطه با او قابل تصور نیست، نمی‌تواند به جهت حیازت مالک مالی بشود؛ بنابراین به سبب استخراج نیز مالک رمزارز نخواهد شد.

قصد حیازت و ملکیت مستخرج نسبت به رمزارز

همان‌طور که بیان شد، حیازت از اسباب ارادی و قصدی برای تحقق ملکیت است؛ به همین جهت داشتن قصد برای تحقق ملکیت لازم می‌باشد. آیت‌الله خویی رحمته‌الله در کتاب اجاره لزوم تحقق قصد در حیازت را متذکر شده و بیان می‌دارند: «اگر فردی در حال خواب، بر مباح استیلا پیدا کرد، این استیلا در ملکیت شخص کافی نیست» (خویی، ۱۳۶۵، ص ۳۵۱)؛ لذا اگر حیازت فیزیکی بدون قصد و به صورت قهری محقق شود مملک نخواهد بود؛ اما این قصد در رابطه با مستخرج رمزارز محقق است؛ چراکه او اقدام به استخراج رمزارز کرده است و بالتبع قصد استخراج را نیز داشته است. محل اختلاف فقها علاوه بر قصد حیازت، قصد

تملك نیز می‌باشد. شهید ثانی و صاحب **مفتاح الكرامه** نیت تملك را برای تحقق ملكیت در حیازت شرط دانسته‌اند (عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۷، ص ۱۸۴ / حسینی عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۷، ص ۴۲۱). در مقابل برخی دیگر از فقها از جمله صاحب **جواهر** مطلقاً قصد تملك را شرط ندانسته و منشأ اختلاف را لفظی می‌دانند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۸، ص ۳۲). با توجه به اطلاق ادله روایی و همچنین بنای عقلا به نظر می‌رسد که قصد تملك لازم نیست؛ چراکه اولاً در روایت سکونی که گذشت امیرالمؤمنین علیه السلام صرف اخذکردن و تسلط بر مال مباح را زمینه‌ساز تملك آن دانسته‌اند و به جهت اطلاق روایت صرف تسلط بر مال حتی بدون نیت تملك، مملك می‌باشد. از طرفی بنای عقلا نیز صرف حیازت را مملك دانسته و نیازی به قصد تملك مالی که مورد حیازت قرار گرفته، نیست و چه‌بسا قصد ملكیت را امری زائد و لغو به شمار آورند؛ از این رو مستخرج نیز به صرف قصد استخراج و حیازت و سلطه بر رمزارز، نیاز به قصد تملك جدا نسبت به رمزارز استخراج‌شده را ندارد و ملكیت او با وجود سایر شرایطی که لازم بود، با قصد استخراج محقق می‌شود؛ چراکه در تحقق حیازت به عنوان سبب مملك، قصد حیازت شرط است؛ اما قصد تملك شرط نمی‌باشد.

جمع بندی و نتیجه گیری

فرایند استخراج و به تملك درآمدن رمزارز استخراج‌شده سوای فرایندهای پیچیده ریاضی و عملیات محاسبه احتمالات که توسط ماینرها و استخراج‌کنندگان انجام می‌شود، می‌تواند مصداقی از تملك بر اساس حیازت مباحات البته از نوع مباحات بالعرض باشد؛ چراکه تمامی شرایط برای حیازت شمردن آن، هم در جهت موضوع و هم از جهت شخص حیازت‌کننده مهیا می‌باشد. تبیین ابعاد مختلف حیازت مباحات و استخراج رمزارز و بیان هماهنگی و تطبیق در اکثر شرایط تحقق حیازت و استخراج، مؤید گزاره فوق است. ملكیت حاصل از استخراج رمزارز، جواز معاملات بعدی بر رمزارز را مبتی بر همان تملك اولیه به سبب حیازت هموار می‌نماید. نکته قابل توجه این است که اگرچه ممکن است موانعی از بعد فقه حکومتی و ادله مربوط به ساحت اجتماعی فقه، تحت عنوان قواعد لا ضرر و نفی سبیل و ... نسبت به مسئله استخراج رمزارز، مطرح شود، اما این مسائل مشکلی نسبت به اصل

شناسایی ماهیت استخراج به عنوان مصداقی از حیازت مباحات بالعرض ایجاد نمی‌کند؛ چراکه این اشکالات خارج از ماهیت اصلی استخراج و ناشی از تأثیر عوامل بیرونی است.

منابع و مأخذ

۱. انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۵ق). کتاب المکاسب (ط - الحدیثه). ج ۱، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۲. ایروانی، علی بن عبدالحسین النجفی (۱۴۰۶ق). حاشیه المکاسب. ج ۱، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳. بجنوردی، سیدحسن (۱۳۷۷). قواعد الفقهیه. قم، نشر الهادی.
۴. بستانی، فؤاد افرام [بی تا]. فرهنگ ابجدی الفبائی عربی - فارسی: ترجمه کامل المنجد /الابجدی. ترجمه رضا مهیار. تهران، اسلامی.
۵. ترابی، مرتضی (۱۳۹۹). درس خارج فقه. تاریخ درس مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۳ آدرس اینترنتی درس: <https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/torabi/feqh> /۹۹۱۰۰۳/۹۹/۲.
۶. تقوا، محمدرضا و جلالیان زعفرانی، زهرا (۱۳۹۹). رمزارز مفاهیم و کاربردها. تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
۷. جزایری، محمدجعفر (۱۴۱۶ق). هدی الطالب الی شرح المکاسب. قم، نشر طلیعه النور.
۸. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸). ترمینولوژی حقوق. چ ۱۹، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش.
۹. _____ (۱۳۷۹). مجموعه محشای قانون مدنی. تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش.
۱۰. جلالیان زعفرانی، زهرا و همکاران (۱۴۰۰). مبانی رمزارزها و تکنولوژی های مرتبط. تهران، آزاد کتاب.
۱۱. حائری، سیدعلی بن محمد طباطبایی (۱۴۱۸ق). ریاض المسائل (ط - الحدیثه). چ ۱، قم، مؤسسه آل‌البتت علیه السلام.
۱۲. حسینی عاملی، سیدمحمدجواد (۱۴۱۹ق). مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة. قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۱۳. حلی، جعفر بن حسن (محقق حلی) (۱۴۰۸ق). *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. قم، اسماعیلیان.
۱۴. حلی، حسن (۱۴۱۴ق). *تذکره الفقهاء*. قم، مؤسسه اهل البيت علیهم السلام.
۱۵. خردمند، محسن (۱۳۹۸). بررسی فقهی استخراج و مبادله رمزارزها با تمرکز بر شبکه «بیت کوین». *معرفت اقتصاد اسلامی*، ۱۰(۲)، ۱۰۹-۱۲۴.
۱۶. خمینی، سیدروح الله موسوی (۱۴۲۱ق). *کتاب البیع*. تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۷. خوبی، سیدابوالقاسم (۱۳۶۵). *مستند العروه الوثقی*. قم، المطبعة العلمیه.
۱۸. ذاکری، سیدروح الله (۱۴۰۰). نقد دو دلیل بر حرمت استخراج بیت کوین و اثبات حلیت آن به عنوان جعاله. *پژوهش های پولی و بانکی*، ۱۴(۴۹)، ۴۸۳-۵۰۷.
۱۹. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۴۱۵ق). *نظام الإرث فی الشریعة الإسلامیة الغراء*. ج ۱، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۲۰. سبزواری، سیدعبدالأعلی (۱۴۱۳ق). *مهذب الأحكام*. ج ۴، قم، مؤسسه المنار.
۲۱. شاهمیری، امیرشهاب (۱۴۰۰). *ارز دیجیتال رمزارز و رمزکاوی*. تهران، کانون نشر علوم.
۲۲. صدر، محمدباقر (۱۳۹۳). *اسلام راهبر زندگی*، مکتب اسلام رسالت ما. قم، پژوهشگاه علمی - تخصصی شهید صدر علیه السلام (دار الصدر).
۲۳. صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*. ج ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۴. طباطبایی حائری، سیدعلی بن محمد (۱۴۱۸ق). *ریاض المسائل*. ج ۱، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۵. طوسی، محمد بن حسن (شیخ طوسی) (۱۳۷۸). *المبسوط فی الفقه الامامیه*. تهران، مکتبه المرتضویه.
۲۶. عاملی، سیدجواد بن محمد حسینی (۱۴۱۹ق). *مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه (ط - الحدیثه)*. ج ۱، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۷. عاملی، محمد بن مکی (شهید اول) [بی تا]. *القواعد و الفوائد*. ج ۱، قم، کتابفروشی مفید.
۲۸. عاملی، زین الدین بن علی بن احمد (شهید ثانی) (۱۴۱۰ق). *الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة*. قم، مکتبه الداوری.
۲۹. عیوضلو، حسین و همکاران (۱۳۹۸). تحلیل فقهی اقتصادی استخراج ارزهای مجازی در نظام اقتصادی اسلام؛ (مطالعه موردی بیت کوین). *معرفت اقتصاد اسلامی*، ۱۱(۱)، ۵۷-۷۲.

۳۰. فاضل آبی، حسن بن ابی طالب یوسفی (۱۴۱۰ق). *کشف الرموز فی شرح المختصر النافع*. ج ۱، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۱. فاضل هندی، محمد (۱۴۱۶ق). *کشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحکام*. قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۳۲. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵). *دوره مقدماتی حقوق مدنی*. تهران، میزان.
۳۳. ماکاتو، یانو و همکاران (۱۴۰۱). *بلاک چین و رمزارزها*. ترجمه حسین صادقی و همکاران. تهران، حقوق یار.
۳۴. محدث نوری، میرزاحسین (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. بیروت، مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۳۵. محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۴). *قواعد فقه (بخش مدنی - مالکیت و مسئولیت)*. تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
۳۶. مصطفوی، محمدکاظم (۱۴۲۱ق). *قواعد فقهیه*. قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۰). *القواعد الفقهیه*. قم، مدرسه الامام علی ابن ابی طالب علیه السلام.
۳۸. میرمعزی سیدحسین و غفورزاده، حسین (۱۴۰۰). *تکامل روش علمی استاد موسویان از روش فقه محور تا روش اسلام محور*. فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۲۱(۸۴)، ۷۳-۴۵.
۳۹. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*. ج ۷، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۴۰. نظری، حسن (۱۳۸۵). *حیازت از دیدگاه فقهی با رویکرد اقتصادی*. قم، بوستان کتاب.
۴۱. نوری، محدث، میرزاحسین (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. ج ۱، بیروت. مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۴۲. میرزاخانی، رضا و سعدی حسینعلی (۱۳۹۷). *بیت کوین و ماهیت مالی - فقهی پول مجازی*. *جستارهای اقتصادی ایران*، ۱۵(۳۰)، ۷۱-۹۲.
۴۳. وانلین، آریس (۱۴۰۱). *اقتصاد رمزنگاری*. ترجمه ابراهیم عباسی و همکاران. تهران، ترمه.
۴۴. یحیی، بندر (۲۰۱۹م). *العملات الافتراضية حقیقتها و أحكامها الفقهية*. المؤتمر الدولي الخامس عشر لكلية الشريعة و الدراسات الإسلامية بجامعة شارقه «العملات الافتراضية فی المیزان»، الشارقة، جامعة الشارقة، الإمارات العربية المتحدة.

45. Brito, Jerry & CastilloAndrea (2013). *Bitcoin: A primer for policymakers*. Virginia, Mercayus Center at GeorgeMason University.